خانه‌ای با درِ باز

پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران

پژوهشی از: کامیل احمدی

kameelahmady.com

" خانم، ۳۱ ساله از تهران:

ازدواج دائم تنها مزیتی که تو این جامعه برای من به عنوان یک زن داره اول اینکه زندگی پنهانی نخواهم داشت. راحت‌تر سفر برم باهاش، پارتنرم رو به عنوان آدمی که باهاش زندگی می‌کنم همه جا با خودم ببرم. این شکل زندگی بزرگ‌ترین مشکلی که داره اون پنهان بودن و چالشیه که تو با خودت داری که کسی نفهمه باید دروغ بگی؛ این خیلی فشار روانی به من وارد می‌کنه ..."

فهرست مطالب

سپاسگزاری..... ۱

چکیده..... ۳

۱-کلیات پژوهش..... ۴

مقدمه..... ۴

۱-۱. تغییرات ساختار خانواده و انقلاب جنسی..... ۴

۱-۲. ازدواج سفید در جهان..... ۵

۱-۳. ایران و الگوی روابط همخانگی..... ۷

۲- روش و یافته‌های پژوهش..... ۱۰

۲-۱. ازدواج سفید همان نکاح معاطاتی است؟..... ۱۱

۳. جمع‌بندی و ارائهٔ پیشنهادها..... ۲۱

سپاسگزاری

هر جامعه‌ای متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی خود همواره با مسائل خاصی روبه‌رو است. دامنهٔ مسائل اجتماعی در ایران نیز روزبه‌روز در حال گسترش است. برخی مسائل اجتماعی به دلیل حساسیت فرهنگی و دینی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند که این ناشناخته ماندن و ابهام می‌تواند پیامدهایی منفی در سطوح مختلف اجتماعی داشته باشد. درک صحیح از پدیده‌ها و مسائل اجتماعی، ابعاد و ویژگی‌های آن و تغییر در نگرش ساختار اداری در خصوص مسائل اجتماعی و همچنین بهره‌گیری از عناصر فرهنگی و جامعه‌شناختی می‌توانند به بهبود مدیریت مسائل اجتماعی یاری برسانند.

ساختار خانواده و توانمندسازی کودکان و زنان در سال‌های اخیر از دغدغه‌های جدی پژوهشی اینجانب بوده است. انگیزهٔ مطالعه دربارهٔ ازدواج سفید در ایران از پژوهش‌های قبلی‌ام درخصوص ازدواج موقت و صیغهٔ محرمیت[1]، *ازدواج زودهنگام کودکان*[2] و *ختنهٔ زنان*[3] در ایران، که به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده‌اند، سرچشمه گرفت. در طبقه‌بندی مهم‌ترین مسائل اجتماعی در ایران از دیدگاه بسیاری از محققان و آسیب‌شناسان، مسائل خانواده، ازدواج و جوانان در رأس فهرست قرار دارند. در سال‌های اخیر روند روبه‌رشد کاهش ازدواج دائم، نرخ روزافزون طلاق، تجرد قطعی و میانگین سن ازدواج در حال افزایش است. با وجود راهکارهایی که از سوی نهادهای اجرایی و سیاست‌گذاری کلان کشوری ارائه شده است، همچنان روند افزایشی میانگین سن ازدواج تداوم پیدا کرده است که نشان‌دهندهٔ تغییر فرهنگ و خواسته‌های قشر جوان کشور، نادرست بودن یا ضعف راهکارهای عملیاتی و خطاهای راهبردی است. کاهش ازدواج به معنای کاهش رابطهٔ جنسی بین زنان و مردان نیست، بلکه افراد و عموماً جوانان در شرایط گذار جامعه ایران به منظور تأمین نیازهای خود و رهایی از شرایط ازدواج رسمی و قانونی بدیلی برای آن یافته‌اند که ازدواج سفید نامیده می‌شود. ازدواج سفید یا هم‌خانگی که گرایش به آن روز به روز در حال افزایش است، در ایران برخلاف کشورهای غربی تابع ضوابط قانونی و نظارتی نیست. سقط جنین، خشونت علیه زنان، کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست، خرید و فروش نوزادان، تداوم چرخهٔ فقر و فحشا، شیوع بیماری‌های مقاربتی و ... پیامدهای الگوی آزاد روابط زن و مردند که افراد به دلایل متعدد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به آنها تن می‌دهند. نبود شناخت از روابط هم‌خانگی در بطن جامعه و همچنین در سطح کارشناسی و سیاست‌گذاری کلان و نبود ضابطه‌های قانونی و هنجارمند، رشد قارچ‌گونه و روزافزون این‌گونه روابط را دامن می‌زند و جدا از مزیت‌هایش برای قشری خاص از جوانان یا دیگرانی که اعتقاد به برابری جنسیتی دارند، ممکن است آسیب‌های فردی و اجتماعی به دنبال داشته باشد که اکثراً معطوف به زنان است. به منظور درک صحیح پدیدهٔ ازدواج سفید در ایران، طی یک سال و نیم گذشته با کمک همکارانم به بررسی جامع آن

---

[1] .احمدی، کامیل (۱۳۹۶). *خانه ای بر روی آب: پژوهشی جامع در باب صیغه و صیغهٔ محرمیت:*
http://kameelahmady.com/fa/temporary-marriage-in-iran

[2]. احمدی، کامیل (۱۳۹۶). *طنین سکوت؛ پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران*، تهران: شیرازه.
Ahmady, Kameel (2017). *An Echo of Silence: A Comprehensive Research Study On Early Child Marriagen (ECM) In Iran*, New York: Nova Publishing.

[3]. احمدی، کامیل (۱۳۹۴). *به نام سنت؛ پژوهشی جامع در باب ختنهٔ زنان در ایران*، تهران: شیرازه.
Ahmady, Kameel (2015). *In The Name of Tradition: A Comprehensive Research Study On Female Genital Mutilation/Cutting (FGM/C) In Iran*, Oxford: Oxford Press.

در سطح میدانی و کتابخانه‌ای پرداختم و امیدوارم که از نتایج پژوهش شناخت کافی از این پدیدهٔ اجتماعی حاصل شود و پیامدهای ناگوار آن، به‌ویژه برای کودکان و زنان آسیب‌پذیر، کاهش یابد.

رعایت حق‌شناسی ایجاب می‌کند از افرادی که در انجام این پژوهش یا در این بازه زمانی از من حمایت کردند، قدردانی کنم. از اعضای خانواده‌ام که هیچ‌گاه از حمایت بی‌قیدوشرطشان کاسته نشد و در همهٔ مراحل سخت این کار در کنار من بودند و همچنین از دوستان نزدیکی که در این فرایند مطالعاتی و پژوهشی تشویقم کردند، سپاسگزارم.

از همهٔ افرادی که گرد هم آمدند و روایات این کار را گردآوری و تحلیل کردند تا این پژوهش جامع (که متن کامل ان به‌زودی در قالب کتاب منتشر می‌شود) به دست آید، سپاسگزارم؛ به‌طور ویژه قدردان دستیاران و همکارانم آقای محمد (جمال) حسینی و خانم عایشه (شیلان) علی‌یار هستم که در مراحل تحقیق همراهم بودند و در جمع‌آوری مطالب و منابع به من کمک کردند. از خانم سارا صحرانورد فرد بابت ویرایش و کمک به دقیق‌تر شدن صورت‌بندی این اثر تشکر می‌کنم. همچنین از افرادی که خواستند نامی از آنها در این کار برده نشود، برای همکاری و لطفشان سپاسگزارم. افراد و نهادهای زیادی برای تکمیل این پژوهش به من یاری رساندند. این پژوهش، و به‌خصوص بخش میدانی آن، تنها از طریق اکتشافی، آموزش میدانی، حمایت و همکاری آنها محقق شد. در این زمینه از مدیر اولیهٔ تیم میدانی فریبا الماسی، عایشه (شیلان) علی‌یار، حکیمه پاشازاده، مسلم ناظمی، فتانه صادقی‌مقدم، ژیلا صادقی، صباح وطنی و ویدا ظفری سپاسگزارم. از آقای حسینی برای انجام تحلیل‌های کمّی و به‌ویژه کمک به آماده‌سازی خلاصهٔ این پژوهش جهت رونمایی، از خانم علی‌یار برای بازخوانی این متن و از آقای محمد جمال‌الدین واژی برای مشاورهٔ مذهبی تشکر می‌کنم.

مرهون حمایت، مهمان‌نوازی، نظرات بخردانه و پیشنهادهای این دوستان و همکاران در سه کلان‌شهر تهران، مشهد و اصفهان هستم: در استان تهران از خانم دکتر معصومه معارف‌وند برای مشاوره و کمک به تنظیم پرسشنامهٔ اولیه؛ در استان اصفهان از خانم گلیتا حسین‌پور اصفهانی و خانم جمیله هاشمیان؛ در استان خراسان رضوی از آقای سپهر استیری، زینب پزشکیان، کانون «زنان حقوقدان سورا» و اعضای هیئت‌مدیرهٔ آن. همچنین از جامعهٔ روحانیان، نهادهای دینی و سایر شخصیت‌های اجتماعی که در این تحقیق به من مدد رساندند، سپاسگزارم. به طور ویژه قدردان وزارتخانه‌ها و نمایندگان، از جمله افراد مسئول در خدمات اجتماعی، بهداشتی و دانشگاه‌های علوم پزشکی، آزاد اسلامی و پیام نور هستم؛ چراکه دانش و اطلاعاتشان را برای تکمیل این پروژه از من دریغ نکردند. باشد که این دست از پژوهش‌ها و اهتمام مسئولان به راهکارها و نتایج آن به تغییرات اجتماعی مثبت و کاهش آسیب‌های اجتماعی در کشور منجر شود.

کامیل احمدی
مرداد ۱۳۹۷
kameelahmady.com

چکیده

زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی و قانونی، به مثابه رابطهٔ زناشویی ثبت‌نشده، غیرقانونی و نامشروع است که شیوع آن در جامعه ایران پدیده‌ای نوظهور است و به عنوان معضل اجتماعی روبه‌گسترشی به ویژه در کلان‌شهرها و مناطق مهاجرپذیر از آن یاد می‌شود. با توجه به پیچیدگی موضوع و حساسیت‌های موجود در کشور، در این زمینه آمار قابل توجهی وجود ندارد و حتی به نحوی می‌توان گفت که از سوی دولتمردان مسکوت گذاشته شده است و به نوعی تحمل می‌شود. بر همین مبنا، به منظور شناسایی دقیق این پدیدهٔ اجتماعی و علل و پیامدهای آن، پژوهش پیش‌رو به بررسی جامع آن در سه کلان‌شهر تهران، مشهد و اصفهان پرداخته است. این پژوهش در چهارچوب دیدگاه تفسیرگرایی و روش‌شناختی کیفی با استفاده از روش نظریهٔ زمینه‌ای انجام شده است. به دلیل حساسیت فرهنگی موضوع پژوهش و دشواری دسترسی به نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی استفاده شد. اشباع نظری داده‌ها پس از انجام ۱۰۰ مصاحبه به دست آمد و برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌های بیشتری صورت گرفت تا در جامعیت پژوهش به اقناع رسیده و البته در این مسیر از نظارت و رهنمودهای متخصصان روش کیفی نیز بهره‌مند شده است. لازم به ذکر است که این پژوهش به انواع دیگر همباشی مثل همباشی خانمی بسیار جوان با مردی مسن که محوریت رابطه بر تأمین اقتصادی زن است، عنایت داشته‌اند و این نمونه‌ها به منظور یکدست شدن مطالعه از پژوهش حذف شدند.

اطلاعات و داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک مصاحبهٔ عمیق جمع‌آوری شده است. مصاحبه‌ها و داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از کدگذاری نظری (باز، محوری و گزینشی) تجزیه و تحلیل شدند و به منظور گردآوری داده‌ها، ابتدا برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌های مهم مشارکت‌کنندگان، روش مصاحبهٔ گفت‌وگوی غیررسمی به کار گرفته شد. در مرحلهٔ دوم با استفاده از روش گراندد تئوری، مقوله‌ها و مفاهیم به‌دست‌آمده در فرایند مصاحبه، در راستای نمونه‌گیری نظری پیگیری شدند و پس از این مرحله که خطوط کلی مصاحبه‌ها از طریق مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند، پرسش‌های مصاحبه با استفاده از روش مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته، استاندارد شد و این فرایند تا اشباع نظری ادامه یافت. در ادامه با اجرای کدگذاری باز، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، مقوله‌های عمده، زیرمقوله‌ها و مفاهیم به دست آمدند. با انجام کدگذاری محوری، زیرمقوله‌ها به یکدیگر و به مقوله‌های عمده ربط پیدا کردند و نوع مقوله‌ها از حیث علّی و فرایندی و پیامدی بودن مشخص شدند.

یافته‌های تحقیق نشان دادند که شرایط محیطی (شرایط اقتصادی، چهارچوب رسمی و قانونی، ساختارهای اجتماعی)، عوامل مداخله‌گر (شرایط خانوادگی، کمرنگ شدن نظارت، زیست در مهاجرت) و عوامل زمینه‌ای (تجربهٔ رابطه و جهان‌بینی فردی) از عوامل اصلی در گرایش به ازدواج سفید بوده‌اند. پدیدهٔ محوری در این پژوهش تغییرات ارزشی و هنجاری در سبک زندگی نسل جوان بود. کنش راهبردی در این پژوهش تعدد و ناپایداری در روابط شناسایی شد و پیامدهای این نوع روابط شامل رنگ باختن کلیشه‌های جنسیتی و آزادی انتخاب، بی‌میلی به ازدواج رسمی، طرد اجتماعی و فقدان حمایت و ترس از پیگرد بود.

۱–کلیات پژوهش

مقدمه

الگوی رفتار جنسی همیشه در بیشتر فرهنگ‌ها به شکل ازدواج نمایان شده است. رفتار جنسی بشر همیشه معنادار است. اعضای جامعه این هنجارها را در جریان اجتماعی شدن می‌آموزند. بر این مبنا، رفتارهای جنسی پذیرفته‌شدهٔ هر فرهنگ با رفتارهای جنسی پذیرفته‌شده در فرهنگ دیگر تفاوت دارند و این نشان می‌دهد که بشر واکنش‌های جنسی را از فرهنگ خود می‌آموزد. در کنار ازدواج رسمی در سال‌های اخیر نوعی دیگر از الگوی روابط جنسی در فرهنگ‌های غربی به‌صورت آزاد و قانونی و به‌صورت پنهانی و شبه‌قانونی در شرق رایج شده است که بدیلی برای ازدواج رسمی است و تحت عنوان ازدواج سفید از آن یاد می‌شود.

۱–۱. تغییرات ساختار خانواده و انقلاب جنسی

در چند دههٔ اخیر، نهاد خانواده در جهان تحولات گسترده‌ای داشته است، تحولاتی که ریشه‌های آن را باید در انقلاب جنسی اواخر دههٔ ۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی و آمریکایی جست‌وجو کرد. این انقلاب با اسطوره‌زدایی از رابطهٔ جنسی، آن را به امری عادی تبدیل کرد که به راحتی قبل از ازدواج دست‌یافتنی است. در اوایل انقلاب جنسی، هرچند به‌تدریج سن ازدواج در اروپا و آمریکا افزایش یافته بود، بسیاری از افراد همچنان ازدواج می‌کردند؛ اما با اندکی تأخیر. با این حال، این همهٔ راه نبود و انقلاب جنسی با گسترش الگوهای هم‌خانگی، ضربه‌های سخت‌تری را این بار نه صرفاً به اسطورهٔ روابط جنسی، بلکه به خود ازدواج و نهاد خانواده وارد کرد. پیدایش الگوهایی از رابطه با جنس مخالف نه تنها آن را از سطح مناسبات جنسی پیش از ازدواج به سطح عاطفی، بلکه به زندگی مشترک بدون ازدواج میان آنها ارتقا داد که روزبه‌روز به طرفداران این الگوی رابطهٔ جنسی افزوده می‌شود.

شکل ۱. انقلاب جنسی و در خواست برای تساوی حقوق جنسی و حقوق انسانی

۲-۱. ازدواج سفید در جهان

یکی از علل گسترش هم‌خانگی، تضعیف بنیان‌های فلسفی ازدواج در کشورهای غربی بوده است. امروزه در نظر جوانان این کشورها، دو مفهوم تعهد به زندگی و تعهد به ازدواج با همدیگر تفاوت دارند. در حالی که در دهۀ ۱۹۶۰ در همۀ کشورها هم‌خانگی امری بسیار نادر و کمیاب بود، امروزه در سراسر اروپا و آمریکا، به‌خصوص در میان نسل‌های جوان‌تر، به طور چشمگیری در حال افزایش است. به طور مثال، در آمریکای دهۀ ۱۹۷۰ نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم‌خانگی زندگی می‌کردند؛ این در حالی است که برطبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج در آمریکا در قالب هم‌خانگی با یکدیگر زندگی می‌کنند.

شکل ۲. در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی برای زوج هم‌خانه قوانین حقوقی و اجتماعی تعیین شده است.

امروزه ازدواج در حال تضعیف شدن و الگوهای هم‌خانگی در حال تقویت شدن است. به طور مثال، شاخص‌ها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهۀ اخیر را نشان می‌دهد. در این کشور، میزان ازدواج زنان تا ۵۰سالگی از بیشتر از ۹۵ درصد در سال ۱۹۶۵ به کمتر از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. در مقابل، میزان هم‌خانگی در کانادا رشدی ۳۰۰ درصدی داشته است و از ۱۵ درصد در اواخر دهۀ ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است. هرچند هم‌خانگی در اروپا پدیدۀ جدیدی نیست و پیش از انقلاب جنسی دهۀ ۱۹۶۰ نیز به علل گوناگون در برخی جوامع اروپایی یافت می‌شد، در آن زمان عملی غیرقانونی، مشمول مجازات و البته نادر بود. شواهد تحقیق کایرنان (Kiernan, 2001) نشان می‌دهد که در دوره‌های اولیۀ پیدایش هم‌خانگی غالباً افراد فقیری که توانایی ازدواج نداشتند، وارد این‌گونه روابط می‌شدند و مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین علل شکل‌گیری آن بود. عده‌ای دیگر نیز به سبب مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود وارد این روابط می‌شدند. به طور مثال، نیوهرتس (Nave-Herz,2000) از آلمان گزارش می‌دهد که پس از جنگ جهانی دوم در این کشور زنان میانسال بعد از طلاق یا مرگ

شریک زندگی خود غالباً هم‌خانگی را به ازدواج مجدد ترجیح می‌دادند؛ چون نمی‌خواستند حقوق دوران بیوگی آنها، که دولت پرداخت می‌کرد، قطع شود. اما از دهۀ ۱۹۶۰ به بعد در اروپا، این بار نه صرفاً افرادی با شرایط اجتماعی خاص بلکه گروه‌های متفاوتی از مردم به سمت این شکل از رابطه‌ها رفتند و به تدریج هم‌خانگی در میان بیشتر طبقات و گروه‌های اجتماعی رواج یافت.

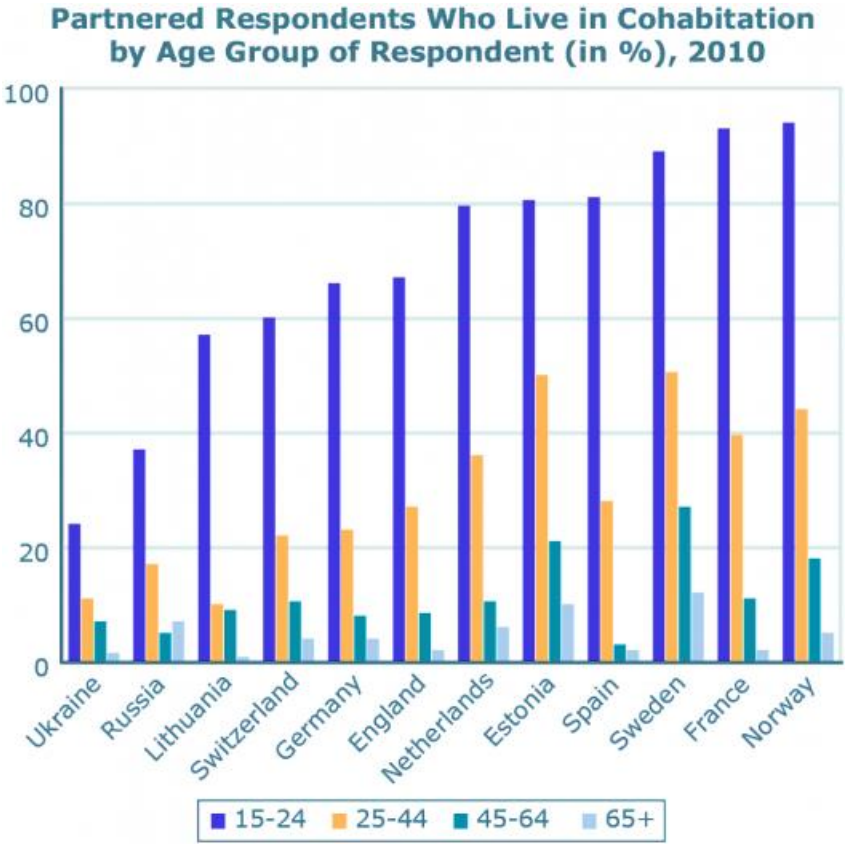

نمودار ۱. درصد فراوانی افرادی که دارای رابطه هم‌خانگی بودند برحسب سن در اروپا در سال ۲۰۱۰

اما امروزه هم‌خانگی نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته که حتی در کشورهای در حال توسعه نیز در حال فراگیر شدن است؛ مثلاً در برزیل در سال ۱۹۷۰ فقط ۷ درصد از جوانان رابطۀ هم‌خانگی داشتند اما در سال ۲۰۰۰ این رقم به نزدیک ۴۰ درصد رسیده است. هم‌خانگی در آرژانتین و ونزوئلا در سال ۲۰۰۰ به حدود ۵۰ درصد رسیده است و در کشورهای کوبا و کلمبیا نیز امروزه بیش از ۶۰ درصد جوانان رابطۀ هم‌خانگی دارند.

در این بین، هم‌خانگی و تغییرات الگوی خانواده، هرچند دیر، به آسیا هم رسیده است. فرایند جهانی شدن، گسترش سرمایه‌داری و اشاعۀ فرهنگی ارزش‌های مناطق دیگر هم‌خانگی را به آسیا نیز کشانده‌اند. هم‌خانگی در ژاپن در سال‌های اخیر افزایش یافته است. ایواسا و تسویا در سال ۲۰۰۶ در تحقیقی از زنان ۲۰ تا ۳۴ ساله در ژاپن به این نتیجه رسیدند که نزدیک به ۲۰ درصد پاسخگویان هم‌اکنون رابطۀ هم‌خانگی دارند.

در کشور ترکیه در بخش‌های مدرن آن از جمله استانبول، هم‌خانگی به ویژه در میان جوانان رواج دارد. در قانون ترکیه مجازاتی برای زوج‌های هم‌خانه وجود ندارد. اما اردوغان بعد از قدرت گرفتن حدود ۷۵ درصد از خوابگاه‌های مشترک

دانشجویی را تعطیل یا جدا کرد که با اعتراضات گسترده از سوی منتقدان داخلی، مانند سکولارها و فمینیست‌ها روبه‌رو شد و در خارج از کشور از سوی اتحادیهٔ اروپا متهم به دخالت در حریم خصوصی افراد بزرگسال شد. با وجود این، در ترکیه نیز این نوع روابط به دلیل نبود ممنوعیت قانونی رواج دارد؛ اما به دلیل قبح اجتماعی آن به‌ویژه در مناطق سنتی و مذهبی، پنهانی است و کمتر اظهار می‌شود. اما در بخش‌های مدرن و سکولار محدودیتی نیست. در کشور مصر در صورت کشف چنین رابطه‌ای ۲ سال زندان برای زنان وضع شده است ولی به گونه ای از سوی سیستم تحمل می شود. با حاکمیت ادیان ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهودیت در خاورمیانه، زندگی مشترک بدون ازدواج نوعی گناه محسوب می‌شود. اما با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی خاورمیانه، در کشورهایی مانند تونس و لبنان در بخش شهرنشین و مدرن بیروت، این نوع زندگی در میان جوانان رایج است.

۳-۱. ایران و الگوی روابط هم‌خانگی

کشور ایران نیز از تغییرات اجتماعی فرهنگی جهان مصون نمانده است، به گونه‌ای که خانواده‌های ایرانی نیز با قرار گرفتن در فرایند نوسازی در عرصه‌های گوناگون و از جمله مناسبات بین دو جنس، در فرایند کشمکش فرهنگی الگوهای سنتی و مدرن، وارد مرحله انتقالی شده‌اند و ضمن حفظ برخی از عناصر سنتی خود، برخی ویژگی‌های جامعهٔ جدید را نیز دریافت کرده‌اند. تغییرات ارزشی در ایران در سال‌های اخیر بر مناسبات اجتماعی تأثیرگذار بوده و تبعات متعددی برای جامعه به همراه داشته است. در سال‌های اخیر، زندگی مشترک پنهانی بدون ازدواج دور از چشم قانون در ایران در شهرهای بزرگ رایج شده است. ازدواج سفید در ایران به زندگی مشترک یک زوج بدون هیچ‌گونه قرارداد شرعی یا قانونی گفته می‌شود. طبق آمار غیررسمی، ازدواج سفید در شهرهای بزرگ ایران در حال گسترش است؛ ولی ماهیت پنهانی این نوع زندگی مشترک دسترسی به آمار در این باره را مشکل می‌کند.

" آقا، ۲۶ ساله از تهران:

> **تمایل نداشتم بدونه کسی. یه جورایی رابطه شخصی می‌دونستم این رو و دلیلی نمی‌بینم که کسی بخواد از این رابطه خبر داشته باشه، به‌خصوص خانواده. یه جورایی شاید فکر می‌کنم باعث طرد شدن ما بشه. خانواده من بفهمند با یه نفر دیگه رابطه دارم قطعاً ناراحت میشن از این قضیه و سعی می‌کنم این رو نفهمند هیچ وقت، چون این قضیه یه جورایی جزء خط قرمزهای جامعهٔ ما می‌شه. بحث این نیست که عیب باشه یا نباشه "**

روزنامهٔ جهان صنعت در تاریخ ۲۵ مرداد ۹۳، در گزارشی از «افزایش هم‌خانگی مجردهای غریبه» و «زندگی سفید» در تهران خبر داده و آن را یک «ضرورت اقتصادی موقتی برای گذران زندگی» توصیف کرده بود. سیاوش شهریور، مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران، در شهریورماه سال ۹۳ ضمن انتقاد از «بزرگنمایی» دربارهٔ «ازدواج سفید» گفته بود که در این باره آماری در اختیار ندارد. وی همچنین از نهایی شدن طرح «اعتلای خانوادهٔ پایدار» برای مقابله با «ازدواج سفید» خبر داده و گفته بود که این طرح براساس سیاست‌های جمعیتی ابلاغ‌شده از سوی رهبر جمهوری اسلامی تهیه شده است. این در حالی است که مرتضی میرباقری، قائم‌مقام سابق وزیر کشور در امور اجتماعی و فرهنگی، به تغییر سبک زندگی و عرفی شدن این نوع از ازدواج اشاره کرده بود. مرتضی میرباقری گفته بود: «رابطهٔ ثبت‌نشده و بدون قاعدهٔ زن و مرد از گذشته به این شکل وجود داشته است؛ اما در حال حاضر این موضوع شکل عرفی

به خود گرفته، هرچند هنوز در کشور ما فراگیر نشده است.» روزنامهٔ ابتکار نیز در تاریخ ۱۶ اردیبهشت سال ۹۳، در گزارشی، مشکلات مالی، محک زدن رابطه، نداشتن اعتقاد به ازدواج و هزینهٔ بالای مسکن را از جمله دلایل ترجیح «ازدواج سفید» بر ازدواج رسمی ذکر کرده بود.

"خانم، ۳۰ ساله از تهران:

به عنوان دو تا آدم ۳۰ ساله که باهم زندگی می‌کنیم، شرایطی رو نداریم که توقعات خانواده هامون رو برآورده کنیم، مثلاً مراسم عروسی با چند ده میلیون هزینه و سرویس طلا. خونه و تالار میلیونی و ... . اینطوری زندگی می‌کنیم هرکی هرچقدر پول داره می‌ذاره وسط، تو یه خونهٔ کوچک زندگی می‌کنیم که از پس دادن اجاره‌اش بربیاییم و راحت زندگی می‌کنیم؛ ولی خانوادهٔ من متأسفانه نمی‌پذیرد."

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که اکثر زنانی که وارد این نوع روابط شده بودند، در دراز مدت تمایل داشتند ازدواج رسمی داشته باشند؛ یعنی ازدواج سفید را عاملی برای تسهیل ازدواج رسمی و درگاهی برای آشنایی قبل از ازدواج رسمی می‌دانستند و در زمان حاضر به دلیل فراهم نبودن شرایط اقتصادی–اجتماعی و حقوقی تن به ازدواج سفید داده بودند. این در حالی بود که مردان تمایل کمتری به ازدواج رسمی داشتند یا اینکه قصد ازدواج با هم‌خانه‌شان را نداشتند. برقراری رابطهٔ جنسی و از بین رفتن باکرگی با توجه به اهمیت این موضوع در عرف و عقاید دینی منجر می‌شود به اینکه زنان نتوانند با هر طیفی ازدواج کنند یا به مشکل بر خورده (و در مواردی مجبور به ترمیم باکرگی شوند) و دایرهٔ انتخاب‌هایشان تنگ‌تر و محدودتر شود و بار فرهنگی و مذهبی باکرگی سبب می‌شود که روابط هم‌خانگی ادامه یابد و درصد ازدواج رسمی برای افراد، به‌ویژه زنان، کاهش یابد.

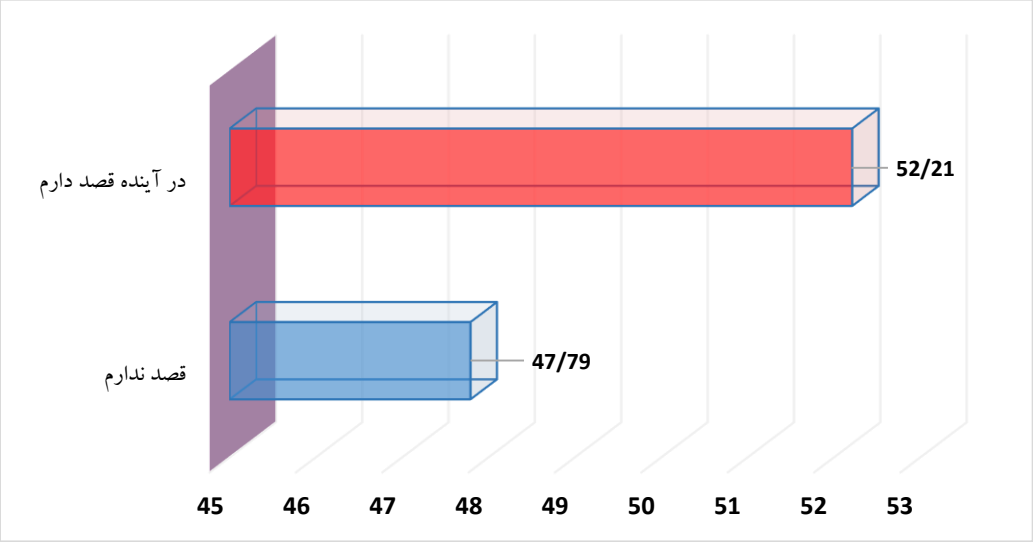

نمودار ۲. تمایل به ازدواج در میان زوج‌های هم‌خانه

معمولاً در روابط هم‌خانگی اجاره یا رهن منزل یکی از مسائلی است که از سوی طرفین توافق می‌شود که هزینه‌های آن را مشترک بپردازند. با توجه به رکود بازار مسکن، مشکلات اقتصادی و وجود مسکن ارزان از قبیل مسکن مهر در این حوزه، بنگاه‌های معاملاتی و صاحبان خانه سکوت اختیار کرده، با وجود آگاهی از غیرقانونی و غیرشرعی بودن روابط هم‌خانگی، اقدام به اجاره یا رهن دادن مسکن به زوجین می‌کنند. از سوی دیگر، وجود آپارتمان‌نشینی به دلیل محدود بودن روابط همسایگی و عدم شناخت افراد در واحدهای یک ساختمان مسکونی برخلاف محله‌گرایی حاکم بر گذشته، نوعی گمنامی به وجود می‌آورد که روابط رسمی یا غیررسمی زوجین برای ساکنان ساختمان مهم و حتی قابل شناسایی نیست.

در سال ۹۶ ازدواج حدود یازده درصد کاهش یافته، در حالی که میزان طلاق ۶ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است. یکی از دلایل کاهش ازدواج رسمی هم‌خانگی یا همباشی است. به دلایل متعدد اقتصادی و اجتماعی جوانان بدیل آن یعنی ازدواج سفید را برمی‌گزینند. ترس از طلاق در میان جوانان به‌ویژه در میان زنان و عواقب آن مانند سرنوشت فرزندان، قضاوت‌های تنگ‌نظرانهٔ افراد جامعه نسبت به طلاق و زنان مطلقه، احساس بیگانگی، نداشتن پشتوانهٔ اقتصادی، مهریه و ناامنی و ناراحتی سبب شده است که ازدواج سفید راهکاری منطقی برای برخی جوانان دیده شود. زنان به ویژه با قدم نهادن در عرصهٔ ازدواج رسمی در ساختار قانونی مورد تبعیض‌های جنسیتی، از جمله نداشتن (شروط ضمن عقد) حق برابر طلاق، حضانت فرزند و ... واقع می‌شوند و این موضوع دلیل جدی گزینش ازدواج سفید به عنوان بدیلی برای ازدواج رسمی است.

" خانم، ۲۸ ساله از تهران:

الان به قدیمیای خودمون نگاه کنی یه سریاشون اصلاً رنگ محبت و ارتباط سالم را ندیدند. شاید همین جوری کنار هم باشند ولی این کنار هم بودنشون فقط به خاطر یه سری رسومه که طلاق یا مسائل دیگه رو عیب می‌دونند و تو این رابطه‌ها تو اگه ناراضی باشی از طرفت خب به راحتی ازش جدا می‌شی "

تسهیل رابطهٔ جنسی در ازدواج سفید عامل جذابیت برای جوانانی است که به دلایل متعدد نتوانسته‌اند ازدواج رسمی داشته باشند. فرزندآوری در این‌گونه روابط هدف نیست؛ اما مطابق شواهد حاصل از پژوهش به دلیل ناآگاهی جنسی و شیوه‌های ضدبارداری و دسترسی نداشتن به وسایل پیشگیری، بارداری‌های ناخواسته صورت می‌گیرد. همین موضوع شیوع سقط جنین غیرقانونی را افزایش می‌دهد و این امر به نوبهٔ خود سلامت جسمی و روانی زنان را به طور جدی تهدید می‌کند. در صورت تولد فرزند به‌ندرت از آنها نگهداری می‌شود و اتفاقات تلخی مانند رها کردن فرزندان به وقوع می‌پیوندد. از سوی دیگر، سقط جنین به دلیل محدودیت قانونی و شرایط سخت برای زنان بارداری که رابطهٔ هم‌خانگی داشتند، غیرقانونی انجام می‌شود که معمولاً در محیط‌های غیربهداشتی و به‌صورت مخفیانه صورت می‌گیرد و خطراتی برای زنان نیز به دنبال دارد و بالطبع هزینه‌های زیادی دارد که پرداخت آن برای هر شخصی امکان‌پذیر نیست.

اما بیشترین لطمه را فرزندان چنین ازدواج‌هایی خواهند خورد؛ زیرا این نوع ازدواج در جایی ثبت نمی‌شود و سرنوشت آنان پس از تولد مشخص نیست و از حقوق اجتماعی مانند تحصیل و داشتن شناسنامه محروم‌اند ویا به مشکل بر خورده و در صورن مشخص نبودن والدینشان از والدین طبیعی خود ارثی نخواهند برد. در کشورهای غربی، تغییر سبک زندگی و پیامدهای مالی ناشی از طلاق دلیل اصلی رواج زندگی‌های مشترک بدون ازدواج است؛ ولی این پدیده در

ایران نوظهور است. این پدیده در ایران عمری حدود ده سال دارد و در کلان‌شهرهایی مانند تهران، مشهد، اصفهان و شیراز بین جوانانی رواج دارد که اکثراً بومی این شهرها نیستند و شاغل یا دانشجو هستند. بالارفتن سن ازدواج، که استقلال فردی، فکری و آزادی بیشتری را در انتخاب نوع زندگی و استقلال مالی از خانواده‌ها به‌دنبال دارد، از عوامل گسترش ازدواج سفید است. تجددخواهی و دست‌وپاگیر بودن ازدواج‌های سنتی و نیمه‌سنتی برای برخی جوانان و همچنین رفع نیاز جنسی به صورت مستمر از دیگر عوامل استقبال از ازدواج سفید در میان جوانان است. به طور کلی در فرهنگ سنتی و مذهبی ایرانی، به ازدواج سفید به چشم پدیده‌ای وارداتی و ناپسند نگاه می‌شود.

واکاوی مسئله ازدواج سفید با توجه به تابو بودن موضوع، کمتر مورد بررسی تحقیقات علمی و دانشگاهی بوده است. حتی کتابی در این باره تا به حال به‌صورت مدون منتشر نشده است. با وجود این، تحقیقات اندکی در این باره در سطح مقاله و پایان‌نامه انجام شده است.

۲- روش و یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر برای اولین‌بار با تأکید بر ابعاد مردم‌شناختی، روان‌شناختی و فقهی–حقوقی، و با تعداد نمونه‌ای به حجم ۲۱۶ زوج و کارشناس با استفاده از روش گراندد تئوری در سه کلان‌شهر تهران، اصفهان و مشهد انجام شد. در این تحقیق سنت‌گریزی، ضعف اقتصادی، شراکت مالی، اصالت نیازهای عاطفی و جنسی، لذت‌جویی، گسست از خانواده، نیاز به همدلی و گریز از تنهایی، تعهدات پرتکلف ازدواج و برابر خواهی جنسیتی، کمرنگ شدن اعتقاد به اوامر دینی، شکاف بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی، ازدواج‌های ناموفق، گرایش به سبک نوین زندگی و به طور کلی داشتن خوانشی نو از مفهوم ازدواج از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با ازدواج سفید در ایران شناسایی شده‌اند. در این پژوهش با بررسی مبانی اجتماعی و فقهی–حقوقی، به تحلیل هم‌خانگی در ایران در چهار فصل پرداخته شد.

در تبیین جامعه‌شناختی چرایی پیدایش روابط هم‌خانگی، به عواملی نظیر تغییرات اقتصادی؛ ورود سرمایه‌داری و پیدایش ناامنی شغلی، تغییرات فرهنگی؛ لیبرالیسم اخلاقی و بازاندیشی سنت، ورود عناصر نوسازی و گمنامی شهری، از بین رفتن مفهوم و کارکرد محله، تغییرات در ساخت خانواده و پیدایش روابط مقطعی اشاره شده است.

در تبیین حقوقی–دینی ازدواج سفید، متون حقوقی براساس فقه اسلامی برای روابط نامشروع تنظیم و اجرایی می‌شود.

مادهٔ ۶۴۵[۴] قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند که مجازات مردی را که بدون ثبت مبادرت به ازدواج می‌کند، حبس تعزیری تا یک سال در نظر گرفته است. لایحهٔ حمایت از خانواده این مجازات را به جزای نقدی (۲۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال) تبدیل کرده است. این میزان جریمهٔ بالا می‌تواند دارای خاصیت بازدارندگی باشد؛ اما بی‌تردید مجازات حبس شدیدتر از جزای نقدی محسوب می‌شود و با صراحت مندرجات مادهٔ ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، ثبت نکردن واقعهٔ ازدواج برای زوجه جرم نیست.

---

[۴]. «به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعهٔ ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است و چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یکسال محکوم می‌گردد.»

در فصل هجدهم از قانون مجازات اسلامی در مبحث جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی، در مادهٔ ۶۳۷ آمده است: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقهٔ زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا ازقبیل تقبیل[۵] یا مضاجعه[۶] شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد. همچنین در ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲/۲/۱ آمده است: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوهٔ قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه[۷] است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هریک است» و اما در مادهٔ ۲۳۰ از همان قانون آمده است: «حد زنا در مواردی که مرتکب غیرمحصن[۸] می‌باشد، صد ضربه شلاق است».

براساس مادهٔ ۸۸۴ قانون مدنی ولدالزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد؛ لیکن اگر حرمت رابطه‌ای که طفل ثمرهٔ آن است نسبت به یکی از ابوین ثابت و نسبت به دیگری به واسطهٔ اکراه یا شبههٔ زنا نباشد، طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و برعکس. همچنان که مشخص است از دیدگاه حقوقی برای زن و مردی که بدون ازدواج قانونی (دائم یا موقت) باهم زندگی می‌کنند به دلیل عدم ثبت قانونی، روابط نامشروع و زنا دارای پیگرد قانونی و کیفری‌اند و اگر فرزندی از آنها متولد شود، از ارث محروم خواهد شد.

چنان‌که از مواد قانونی برمی‌آید تبعات این شکل از همباشی از کنشگران آن فراتر رفته و در صورت تولد فرزند، مشکلات متعدد حقوقی دامنگیر فرزندان حاصل این ازدواج‌ها خواهد شد.

۱-۲. ازدواج سفید همان نکاح معاطاتی است؟

یکی از مواردی که با همباشی یکسان دانسته می‌شود، بحث نکاح معاطاتی است. نکاح معاطاتی ازدواجی است که به منظور تشکیل خانواده و حق تمتع و رابطهٔ جنسی بین زن و مرد برقرار می‌شود؛ اما فاقد ایجاب و قبول لفظی است و ممکن است طرفین بر مهریه، نفقه و سایر حقوق بین زوجین توافق کنند. مطابق مادهٔ ۱۹۳ قانون مدنی «در مواردی که قانون استثنا کرده باشد» معاطات صحیح است. از جمله موارد استثناشده عقد نکاح است. در ماده ۱۰۶۲ این قانون آمده است: «نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید». یعنی حتماً به لحاظ حقوقی باید صیغهٔ عقد ازدواج بیان شود و ایجاب و قبول باید لفظی باشد، مگر در حالت عجز از تلفظ.

عدم جواز نکاح معاطاتی به نظر اکثر فقهای شیعه، نظیر محقق بحرانی، مرتضی انصاری، روح‌الله خمینی و مکارم شیرازی، مورد اجماع علمای شیعه و اهل سنت است. مذاهب شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی همگی صیغهٔ ایجاب و قبول را از شرایط عقد نکاح می‌دانند. بنا بر اذعان افرادی که با ازدواج سفید هم‌خانه شده‌اند، بسیاری از آنها اصلاً این همباشی را زوجیت قلمداد نمی‌کنند، بلکه مرحلهٔ آشنایی بیشتر برای ازدواج در آینده و یا هم‌خانگی برای رهایی از مشکلات اقتصادی، روانی و ... می‌دانند. بنابراین، این افراد نه به ازدواج شرعی معتقدند و نه شرایط نکاح را قبول کرده‌اند، بلکه حتی اگر خواهان زندگی مشترک براساس دین اسلام باشند، برای آشنایی یا به علت هرگونه محدودیت دیگر در ازدواج دائم، حداقل می‌توانند عقد موقت را منعقد کنند. براساس این ادله، ازدواج سفید تقریباً به هیچ‌وجه با

---

[۵]. بوسیدن

[۶]. «با هم خوابیدن» و «هم‌بستر شدن»

[۷]. متأهل

[۸]. مجرد

نکاح معاطاتی در شرع انطباق ندارد و شرایط ازدواج، اذن پدر، طلاق شرعی، عده و ... در آن رعایت نمی‌شود و مهم‌تر از همه آنکه در هر عقدی، قصد انسان‌ها از ارکان ضروری تشکیل‌دهنده آن است، اما در ازدواج سفید در بسیاری از موارد طرفین قصد زوجیت نداشته و اگر قصد زوجیت نیز داشته باشند، به علت رعایت نکردن قواعد زوجیت و طلاق شرعی، زندگی مشترک آنها همچون الگوی رایج در غرب، تنها نوعی همباشی است و تحت لوای زوجیت دینی قرار نمی‌گیرد.

دین‌گریزی یا کاهش حساسیت‌های دینی و گرایش به زندگی سکولار از دیگر مشخصه‌های اصلی زوج‌های هم‌خانه است که در زنان با توجه به گرایش‌های فمینیستی و برابری‌طلبانه بیشتر بود. زنان دین یا حداقل قرائت‌های سنتی از دین را، که آنها را محدودتر می‌کند، قبول ندارند و این نوع زندگی را نوعی مقاومت در برابر فشار دینی می‌دانند. البته جهانی شدن و گسترش فرهنگ سکولار و اومانیسم در گرایش به این نوع ازدواج‌های غیررسمی بی‌تأثیر نیست.

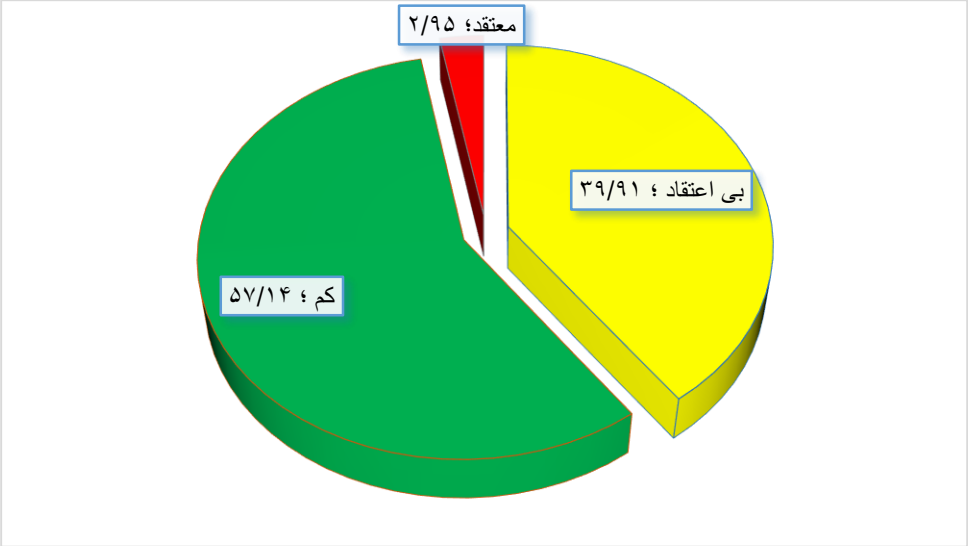

نمودار ۳. درصد فراوانی میزان دینداری پاسخگویان

با توجه به مبانی نظری و فقهی–حقوقی ازدواج موقت و پیمایش و مصاحبه در میدان تحقیق دقیق و موشکافانهٔ داده‌های گردآوری‌شده، مدلی تحلیلی در تبیین ازدواج سفید در سه کلان‌شهر تهران، مشهد و اصفهان به دست آمد:

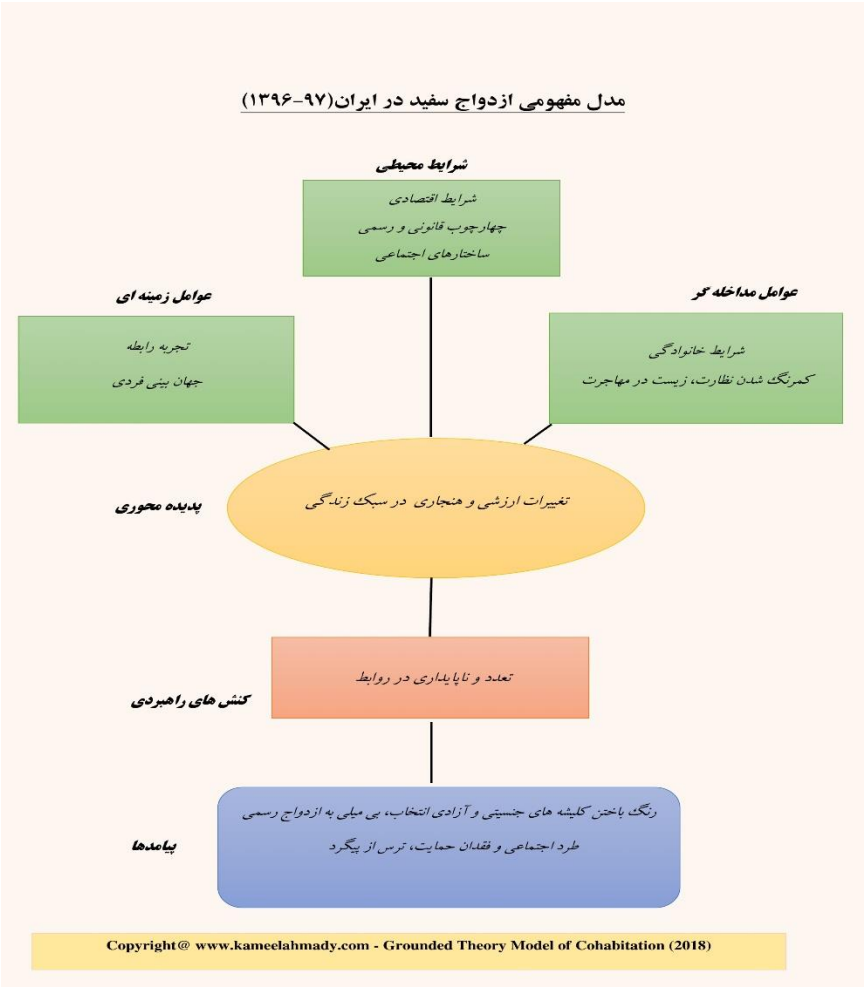

شکل ۳. مدل گراندد تئوری از ازدواج سفید در ایران

همان‌طور که مشاهده می‌شود، پدیدهٔ محوری ازدواج سفید در ایران تغییرات ارزشی و هنجاری در سبک زندگی جوانان ایرانی است که هم‌خانگی در بطن این تغییرات ارزشی ظهور کرده است:

" خانم، ۲۷ ساله از تهران:

تو سن ما این سبک زندگی رو قبول دارن شاید به‌خاطر یه سری مسائل محدودیت باشه. جامعه برای من جاییه که هویتم آزادتره، تو شهرستان پذیرفته نیست ولی تو تهران خیلی از دوستای من این شکلی زندگی می‌کنن "

مهم‌ترین پیامدهای ازدواج سفید در ایران براساس گزارشات و مصاحبه‌های دقیق با زوجینی که تجربهٔ همباشی داشته‌اند، ناتوانی اقتصادی برای ازدواج، رنگ باختن کلیشه‌های جنسیتی، آزادی انتخاب و بی‌میلی به ازدواج رسمی بوده است. این عوامل در غرب نیز به وضوح مشاهده می‌شود. در تحقیقی در آمریکا دلیل ازدواج سفید آزادی و راحتی بیشتر افراد و بی‌میلی به ازدواج دائم گزارش شده است. برخلاف غرب که از نظر عرفی و حقوقی این پدیده را قانونمند

کرده است، تاکنون در ایران این مسئله رخ نداده است و پیامدهایی مانند طرد اجتماعی، فقدان حمایت و ترس از پیگرد را به دنبال داشته است. براساس یافته‌های این پژوهش، بیشتر افرادی که تجربهٔ هم‌خانگی داشتند، در بازه سنی ۳۰-۲۵ قرار داشتند و به نسبت جمعیت در شهرهای تهران (۴۳ درصد)، مشهد (۳۱ درصد) و اصفهان (۲۶ درصد) بودند که در دههٔ ۷۵-۶۵ به دنیا آمده‌اند. این جوانان عموماً دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند و از طریق آشنایی با مکاتب فکری و فرهنگی خواهان تغییر در سبک زندگی خودند.

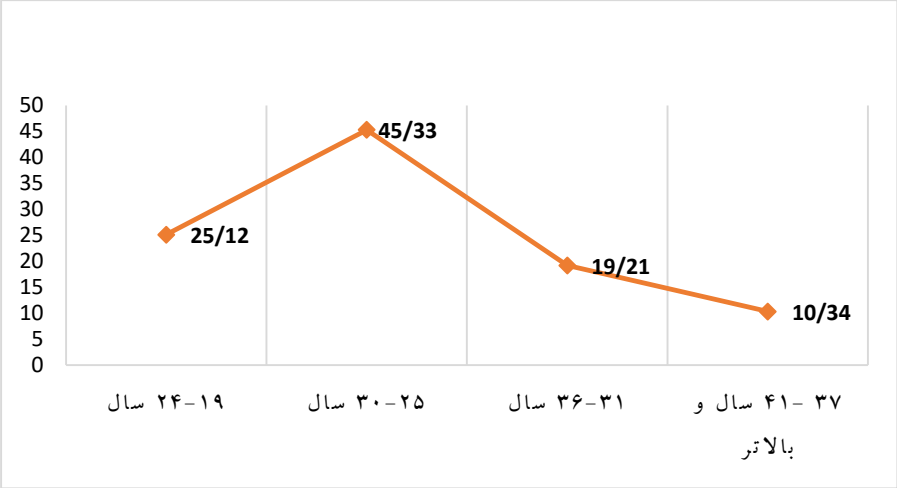

نمودار ۴. فراوانی دامنهٔ سنی پاسخگویان

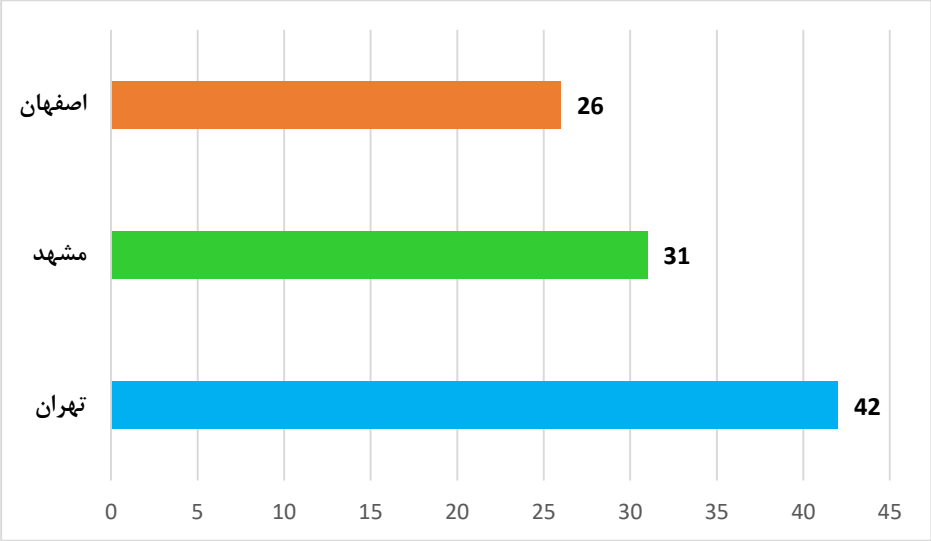

نمودار ۵. درصد فراوانی نمونهٔ مورد مطالعه که تجربهٔ ازدواج سفید داشتند

این جوانان با توجه به تغییرات اقتصادی و اجتماعی و دورهٔ رکود، معمولاً نتوانسته‌اند شغلی متناسب با رشتهٔ تحصیلی دانشگاهی‌شان در محل زندگی خود پیدا کنند. کلان‌شهرها به دلیل داشتن بسترهای شغلی، به‌ویژه نسبت به شهرستان‌ها، محل جذابی برای مهاجران تحصیلی و شغلی جوانی هستند که به دنبال استقلال مالی و ادامهٔ تحصیلات

دانشگاهی می‌گردند. وجود شرکت‌های خصوصی و مشاغل آزاد در کلان‌شهرها نسبت به شهرستان‌های کوچک از عمده‌ترین دلایل مهاجرت کاری جوانان تحصیلکرده بوده است.

"مرد، ۲۶ ساله از تهران:

ایشونم فارس بودند و البته ایشون ساکن تهران نبودند. بنا بر یه دلایلی به خاطر کارشون و تحصیلشون از یکی از شهرستان‌های جنوبی اومده بودند تهران و تو تهران موندگار شده بودند. خب بنا به کارشون و مقطع تحصیلی ارشدشون داشتند درسشون رو تموم می‌کردند به همین دلیل فعلاً تهران موندگار شدیم."

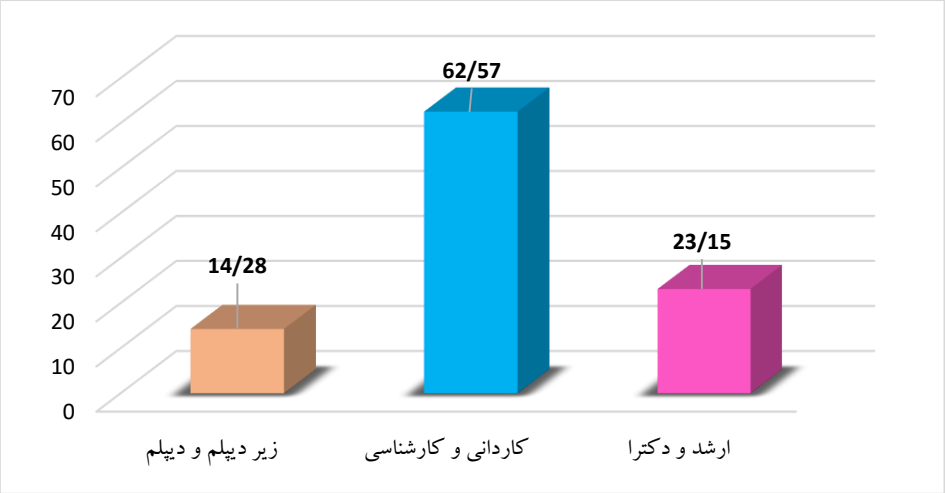

نمودار ۶. درصد فراوانی میزان تحصیلات پاسخگویان

براساس آمار موجود، شکاف بیش از ۱۰ درصدی نرخ بیکاری استان‌های کشور باعث شده که ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار جوان، به‌ویژه جوانان تحصیلکرده، برای یافتن کار به کلان‌شهرهای کشور مهاجرت کنند. به همین دلیل، جوانانی از شمال ایران به مناطق نفت‌خیز جنوب می‌روند و افرادی از غرب و شرق کشور به امید یافتن کار راهی تهران و دیگر کلان‌شهرها می‌شوند.

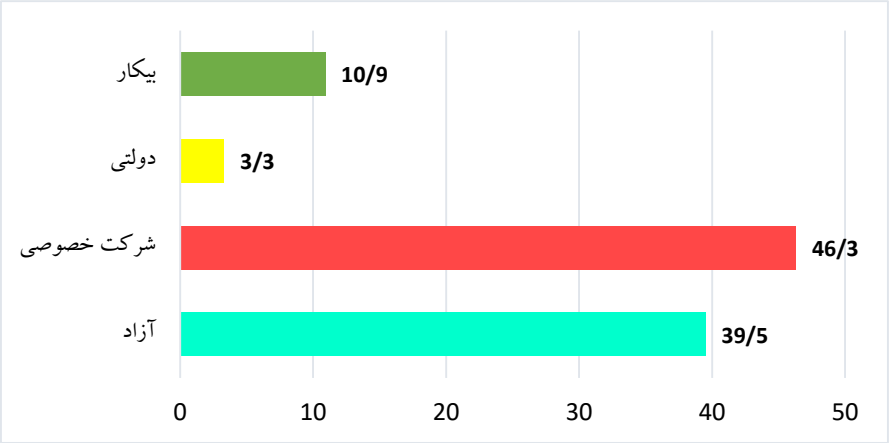

نمودار ۷. درصد فراوانی نوع و میزان اشتغال در بخش‌های مختلف

از سوی دیگر، در کلان‌شهرها هزینه‌های زندگی، به‌ویژه در بخش مسکن و همچنین هزینه‌های ازدواج رسمی، بسیار بالا است که در توان افراد به‌ویژه جوانان نیست. کار و تحصیل در کلان‌شهرها زمینهٔ حذف نظارت والدین بر فرزندان را بیشتر می‌کنند. با توجه به ساختار کلی اقتصادی در جامعه، مردان به نسبت زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی موقعیت‌های بهتری یافته‌اند و همین امر موجب می‌شود که تمول مردان در مناسبات اقتصادی دو شخص به وضوح قابل مشاهده باشد. اگرچه براساس شواهد حاصل از مطالعه مبنای این شکل از رابطه بر رنگ باختن کلیشه‌های جنسیتی است، به نظر می‌رسد که ساختارهای کلی جامعه با فراهم کردن شغل بهتر و درآمد بیشتر برای مردان، عدم توازن قدرت را در مناسبات اقتصادی بازتولید می‌کنند.

جوانان در شهرهای بزرگ و در آپارتمان‌ها با هم‌خانه‌های خود زندگی می‌کنند و با توجه به گمنامی و آپارتمان‌نشینی گسترده در این شهرها، افراد به راحتی می‌توانند ازدواج سفید را جایگزین ازدواج رسمی کنند. ازدواج سفید رابطهٔ جنسی را تسهیل می‌کند که برای جوانان بسیار جذاب است و این رابطهٔ غیررسمی تکافوی هزینه‌های زندگی در کلان‌شهرها را برای جوانان مهاجر و همچنین بومی کلان‌شهرها می‌دهد. البته عمر این‌گونه روابط حدود ۳-۱ سال است. در ازدواج سفید مدت رابطه نامعلوم است؛ ولی تجربه پاسخگویان حاکی از آن بود که بعد از یک الی سه سال این روابط از هم پاشیده می‌شوند.

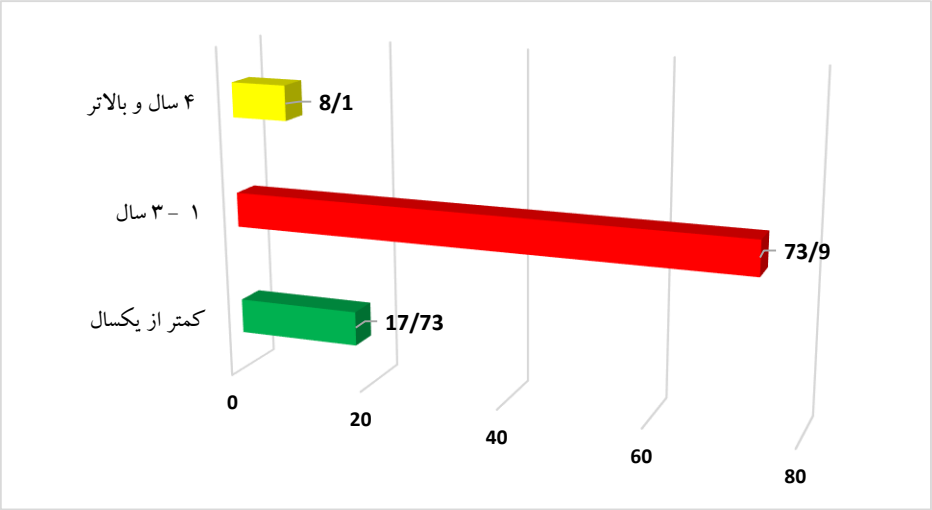

نمودار ۸ . فراوانی نمونهٔ مورد مطالعه برحسب مدت هم‌خانگی زوجین

روابط جنسی و از بین رفتن باکرگی با توجه به اهمیت این موضوع در عرف و دین منجر می‌شود به اینکه زنان نتوانند با هر طیفی ازدواج کنند و بار فرهنگی و مذهبی باکرگی سبب می‌شود که روابط هم‌خانگی ادامه یابد و فرصت‌های ازدواج رسمی برای افراد کاهش یابد. در ایران با وجود اینکه معاشرت عاطفی و جنسی پیش از ازدواج یا خارج از چهارچوب ازدواج برخلاف هنجارهای سنتی، مذهبی و فرهنگی است و حتی از نظر قانونی منع شده است، برخی شواهد در سال‌های اخیر بر روند افزایشی این‌گونه معاشرت‌ها در بین جوانان دلالت دارند. این روابط از خانواده‌ها عموماً پنهان می‌شود و اگر هم آشکار شود خانواده‌ها تمایل دارند که خود را بی‌اطلاع از آن نشان دهند. اهمیت باکرگی در جامعه بی‌تردید موقعیت زنان را پس از اتمام رابطه برای قرارگیری در روابط جدید تضعیف کرده و مکانیسمی که به تبع آن

بروز می‌کند، قرار گرفتن فرد به شکل چرخه‌ای معیوب در همباشی‌های متعدد است که گاهی ممکن است مورد پسند خود زنان نباشد؛ در غیر این صورت اقدام برای ترمیم پردهٔ بکارت به عنوان راهکار مورد استقبال عده‌ای قرار می‌گیرد. این موضوع بی‌تردید بر روابط رسمی فرد تأثیر می‌گذارد و به سستی بنیان خانوادهٔ نوبنیان منجر خواهد شد.

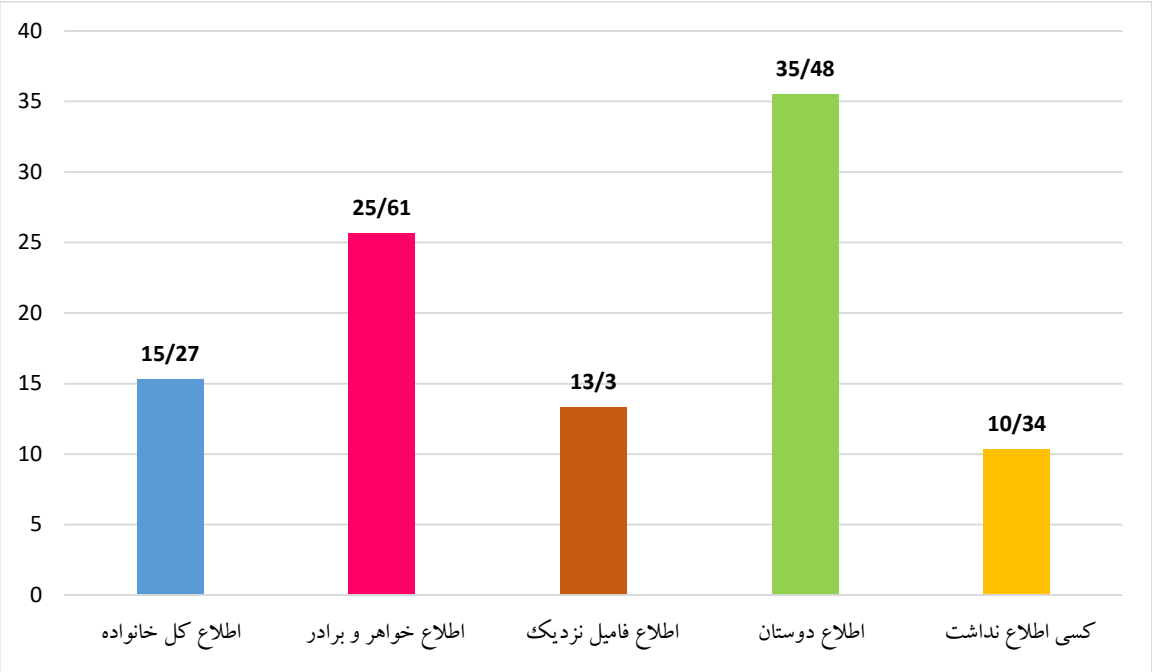

نمودار ۹. میزان و نوع اطلاع اطرافیان از همباشی پاسخگویان

برطبق پژوهش انجام‌شده، رابطهٔ هم‌خانگی معمولا پنهان است یا فقط دوستان نزدیک که خود نیز در ازدواج سفید بوده و یا تجربه ان را داشته اند از آن خبر دارند. ارزش‌های نسل جدید که به واسطهٔ آشنایی با مظاهر مدرنیتهٔ غربی شکل گرفته است، برخی سنت‌ها و هنجارهای نسل گذشته را به صورت پنهانی پس می‌زند. با وجود این، خانواده‌ها هنوز با این موضوع کنار نیامده‌اند و بیشتر پاسخگویان اظهار کردند که روابط خود را از خانواده، بستگان، آشنایان و همسایگان پنهان می‌کنند. نگرش عمومی و اجتماعی این نوع سبک زندگی را نمی‌پسندد و این مهم‌ترین دلیل پنهان کردن این سبک زندگی است. پنهان بودن رابطه نیز به خودی خود متضمن استرس‌های فراوانی است که به زوجین تحمیل می‌شود.

"مرد، ۲۷ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد:

> **اگه خانواده مطلع بشه صددرصد با تهدید بزرگی مواجه می‌شی. یک: یا امکان طرد داره یا امکان حذف داره. دو: مسئلهٔ دولت که تو جامعهٔ ایران حکم سنگسار داره. سه: اگه اجتماع بفهمه که ازدواج سفید داشتی، شروع می‌کنن به انگ زدن و آنچنان تحقیر اجتماعی پشتشه که امکان داره در حد ضرب و شتم فیزیکی و حتی قطع کردن مناسبات اجتماعی باهات باشه. "**

از دیگر پیامدهایی که می‌توان به آن اشاره کرد، فقدان حمایت قانونی و اجتماعی از شخصی است که در این روابط مورد خشونت و آزار قرار می‌گیرد. به ویژه این مسئله در مورد زنان بیشتر صادق است که در صورت خشونت‌دیدگی

قادر به دادخواهی و حمایت‌طلبی از هیچ ارگان رسمی و غیررسمی نخواهند بود. این موضوع زنان را بیش از پیش آسیب‌پذیر کرده و بدیهی است که مراجع قانونی در صورت بروز هرگونه مشکل برای زنان در درجهٔ اول آنها را خاطی دانسته، احقاق حقوقشان ممکن نخواهد بود و حتی بهره‌گیری از خدماتی چون اورژانس اجتماعی و ... نیز ناممکن است.

اگرچه به نظر می‌رسد افراد با اختیار خود در این رابطه قرار می‌گیرند، نمی‌توان انکار کرد که فشارهای متعددی که بر آنها وارد می شود، زوجین را در وضعیت روانی نامناسب قرار می‌دهد. حتی پس از اتمام رابطه نیز این افراد متحمل آسیب‌های روانی متعددی خواهند شد که امکان حمایت‌طلبی از هیچ ارگانی را نیافته و خدمات مناسب روان‌شناسی یا ... نیز شامل این دسته از افراد نخواهد شد. لکن نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که آسیب‌های مترتب از جدایی به دلایل بالا گر چه گریبانگیر هر دوی زن و مرد می باشد ولی بیشتر دامنگیر زنان خواهد بود و زنان در فرایند بازسازی روانی، اجتماعی و اقتصادی خود با سختی‌های بیشتری روبه‌رو خواهند بود.

با توجه به چهارچوب‌های رسمی و قانونی و مشکلات ازدواج رسمی (دائم)، ازدواج موقت می‌توانست گزینهٔ بهتری برای افراد باشد. ازدواج موقت هم سخت‌گیری و مشکلات ازدواج رسمی را ندارد و هم قانون و مذهب رسمی کشور آن را تأیید می‌کند و در صورت بروز مشکلات و پیشامدهای ناگوار حداقل حمایت‌هایی از آن وجود دارد. اما نسل جوان دانشگاه‌رفته، که غالباً به برابری جنسیتی نیز اعتقاد دارد، ازدواج موقت یا صیغه را نوعی کلاه شرعی و فحشا می‌داند و از آنجا که نگرش عمومی بر «انگارهٔ جنسی بودن» آن است و ریشهٔ مذهبی دارد از آن اجتناب می‌ورزد و ازدواج سفید را ترجیح می‌دهد. این افراد دین و مذهب را از زندگی شخصی خود حذف کرده‌اند و تمایل دارند اعتقادات دینی بر زندگی آنها کمتر تأثیر بگذارد و حتی نسبت به دین جبهه‌گیری می‌کنند و آن را عاملی برای نقض برخی حقوق شخصی خود می‌دانند.

خیر و منفعت فردی و انسان‌باوری به جای خداباوری از مظاهر مدرنیته در کشورهای در حال توسعه است که از طریق رسانه‌های جمعی و ماهواره و اینترنت و از سوی دیگر در دانشگاه با آشنایی با نحله‌های فکری مدرن، در زندگی جوانان نفوذ کرده است و آنها را به این سمت سوق می‌دهد که براساس نفع شخصی و بدون محدودیت دینی و مذهبی، خیر فردی خود را تشخیص دهند و از هرگونه محدودیت دینی عبور کنند. مصادیق این وضعیت را در تعریف پاکدامنی و بکارت به ویژه برای زنان می‌توان دید. پردهٔ بکارت در فرهنگ دین و عرف بیانگر پاکدامنی و نداشتن رابطهٔ جنسی است. زوجینی که پردهٔ بکارت را امری شخصی و حق بر بدن تلقی می‌کنند، نمی‌توانند از بکارت و نداشتن رابطهٔ جنسی پیش از ازدواج برداشتی مذهبی بکنند و آن را امری شخصی می‌پندارند، هرچند برای برخی تصمیمی آسان نبوده و گاه تبعات سنگینی در ارتباطات بعدی و ازدواج به وجود می‌آورد.

براساس نتایج حاصل از تحقیق در خانواده‌های ازهم‌گسیخته، فرزندان طلاق یا بدسرپرست به دلایل روان‌شناختی و اجتماعی بیشتر به این نوع ازدواج تمایل پیدا می‌کنند. این افراد نگرانی از قرار گرفتن در روابط رسمی، طلاق و فرزندآوری را دلیلی برای این شکل از ازدواج می‌دانند.

پاسخگویان بی‌اعتقادی به ازدواج رسمی را با ۴۱/۳۷ درصد فراوانی، مهم‌ترین دلیل گرایش به سوی هم‌خانگی ذکر کرده‌اند. آزادی بیشتر و حق بر بدن با ۲۰/۱۹ درصد، نداشتن امنیت شغلی با ۱۶/۷۴ درصد، آشنایی بیشتر با ۱۴/۲۸

درصد و بی‌اعتمادی با ۷/۳۸ درصد به ترتیب از مهم‌ترین دلایل گرایش به ازدواج سفید بوده‌اند. مدت زمان این نوع ازدواج‌ها در حدود ۳-۱ سال است. کارشناسان عموماً دلیل ازدواج نکردن جوانان و افزایش تجرد قطعی را اغلب نداشتن درآمد کافی و مسائل مالی می‌دانند که با تحلیل نمونه‌های مورد تحقیق نیز این امر تأیید شد؛ اما دلایل دیگری که بخشی از آنها اقتصادی‌اند نیز اهمیت دارند: بی‌اعتقادی به ازدواج دائم به دلیل رسوم ناهنجاری مانند شیربها، مهریه‌های سنگین، دست‌وپاگیر بودن و محدود کردن حقوق فردی زنان در قانون (شروط ضمن عقد) مانند شرط تحصیل، شرط اشتغال، شرط وکالت زوجه در صدور جواز خروج از کشور، شرط تقسیم اموال موجود میان شوهر و زن پس از جدایی، حضانت فرزندان پس از طلاق، حق انتخاب مسکن، حق برابر طلاق. این رسوم ناشی از فرهنگ نادرستی است که در میان خانواده‌ها رایج شده که حتی برخلاف تعالیم اسلامی است. همچنین قوانین مرتبط با طلاق و کلیشه‌های جنسیتی در ازدواج رسمی از عواملی‌اند که باعث می‌شوند افراد ازدواج سفید را بر ازدواج دائم ترجیح دهند. آنچه اهمیت ثانویه دارد آزادی و حق انتخاب و حق بر بدن است. حق بر بدن بدون توجه به مفاهیم دینی و قانونی برای عده‌ای در قالب نافرمانی‌های مدنی مانند ازدواج سفید نمایان می‌شود. نبود فرصت‌های شغلی و درآمد مناسب برای گذران زندگی جاری، ازدواج سفید در قالب مشارکت اقتصادی دونفره بدون کلیشه‌های جنسیتی را راهکار مناسبی برای جوانان جلوه می‌کند. ازدواج سفید یا هم‌خانگی در ایران کاملاً مشابه نوع غربی آن نیست؛ در مصاحبه‌ها، برخی پاسخگویان اشاره می‌کردند که در طول هفته شاید دو الی سه روز را با شریک جنسی خود به طور کامل بوده‌اند.

" نیما، ۲۵ ساله از تهران:

> **اینجوری راحت‌تره. نه به چیزی پایبندی. حالا یک سال، دو سال، یه ماه، دو ماه... تا همهٔ عمرت اصلاً تا هر موقعی که خودتون خواستین من خواستم و اون ادامه داره. ولی ازدواج دائم باید پایبند باشی به یه سری چیزا. هم اون راضیه هم من راضی ام. "**

بحران اعتماد در جهان مدرن گسترده است و بیشتر کشورهای جهان را در بر گرفته است. بی‌اعتمادی و نداشتن صداقت به هنگام ازدواج نوعی ترس را در بین افراد به وجود آورده است. به محض ثبت ازدواج و شناخت همسر، دیگر کاری را نمی‌توان پیش برد و مسئولیت‌های قانونی گریبان فرد را می‌گیرد. بنابراین، بی‌اعتمادی سبب می‌شود رابطه‌ای ترجیح داده شود که در صورت خیانت و بی‌صداقتی بدون هیچ مسئولیت قانونی پایان یابد.

ازدواج سفید در ایران به دلیل تابو بودن کمتر مورد توجه قرار گرفته و به دلیل ناشناخته ماندن تصویری مبهم در ذهن مسئولان دارد و از علت‌ها و پیامدهای آن اطلاع آماری علمی و دقیقی در دست نیست. این دست تحقیقات با شناسایی علل اصلی ازدواج سفید و گرایش به آن و ارائهٔ راهکارهای اساسی در جهت کاهش آسیب‌های آن می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود.

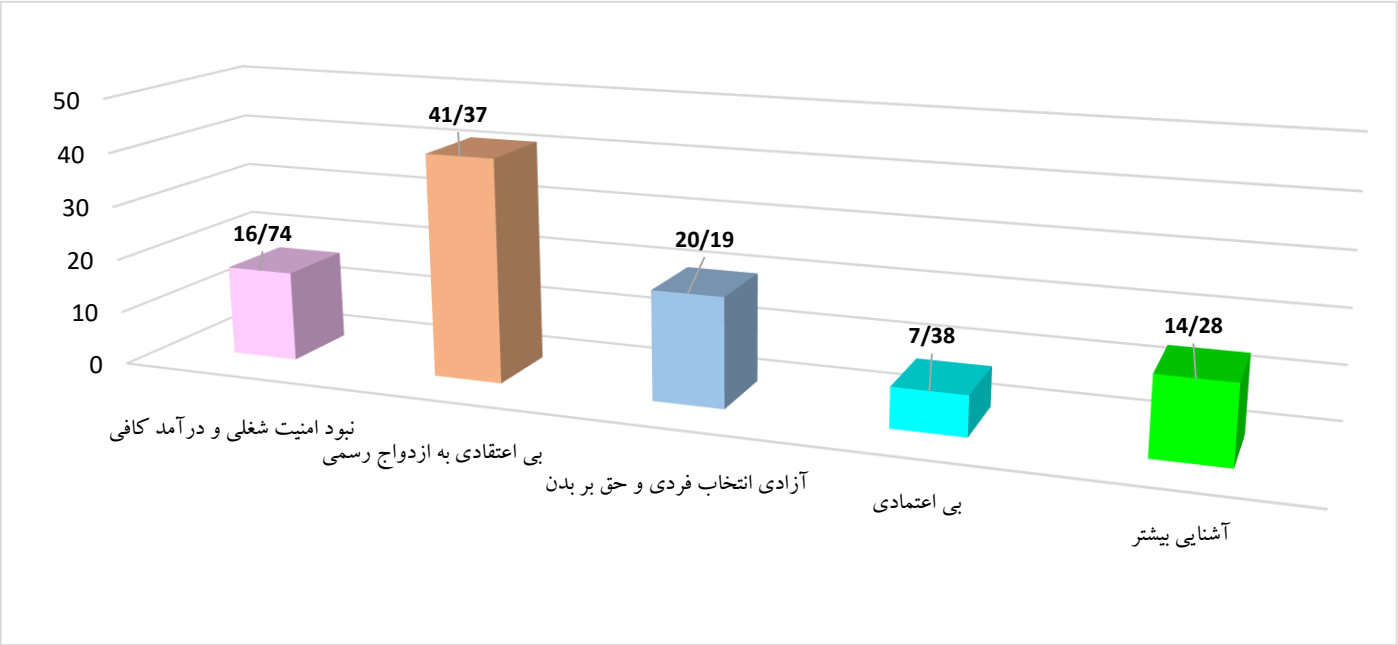

نمودار ۱۰. مهم ترین دلایل گرایش به ازدواج سفید در ایران

۳. جمع‌بندی و ارائهٔ پیشنهادها

۳-۱. شناسایی جامع ابعاد، علل و پیامدهای ازدواج سفید در ایران برمبنای تحقیقات مستقل علمی و تخصصی

رسیدن به جامعه‌ای پویا نیازمند شناسایی آسیب‌ها، معضلات اجتماعی، بررسی راهکارها و گرفتن تصمیمات کارشناسی-شده و اثرگذار است. تخصیص بودجه‌های تحقیقاتی، توجه بیشتر اساتید و مشاوران دانشگاهی و دانشجویان حوزهٔ علوم رفتاری در قالب پایان‌نامه و مقاله، تألیف کتاب و انجام کار میدانی پویا و مستمر از سوی نویسندگان و فعالان اجتماعی در باب شناسایی دقیق و همه‌جانبهٔ ازدواج سفید و آسیب‌شناسی این پدیده و ارائه پیشنهادات مناسب به عموم با توجه به ماهیت اجتماعی جامعهٔ در گذر زمان می‌تواند راهکاری مناسب در جهت شناسایی دقیق این پدیده باشد. متأسفانه دانشگاه از جامعه جدا شده است که آن ماهیت علمی‌اش زیر سؤال رفته است. موضوعات تکراری و پایان‌نامه‌های پولی و سفارشی نمی‌توانند در شناسایی آسیب‌های اجتماعی نقشی داشته باشند و بازنگری در سیاست‌های دانشگاه، به‌ویژه در حوزهٔ پژوهش، می‌تواند از تولید تحقیقات ضعیف بدون کارکرد و خاک‌خورده در کتابخانه‌ها جلوگیری کند.

۳-۲. پذیرفتن پدیدهٔ ازدواج سفید و روند افزایشی آن در ایران از سوی دولت

به علت ماهیت غیردینی و تابو بودن موضوع ازدواج سفید، «انکار» تنها راهکاری بوده است که تا به امروز از سوی مسئولان مشاهده شده است. یکی از مقامات مسئول دولتی امور جوانان در ایران می‌گویند که ازدواج سفید در ایران وجود ندارد. محمود گلزاری، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در سال ۹۳، در مصاحبه با خبرگزاری فارس[۹] بیان کرده است که اصلاً در جامعه ایران ازدواج سفید وجود ندارد. او ازدواج سفید را پدیده‌ای غربی دانست و گفت ممکن است برخی جوانان به تبعیت از کشورهای غربی این کار را انجام داده باشند، اما هنوز این موضوع تأیید نشده است؛ اما این تصور اشتباه است که با صحه گذاشتن بر وجود این پدیده، شیوع آن بیشتر می‌شود، بلکه به جرئت می‌توان گفت که در صورت پذیرش این موضوع و شروع کار آسیب شناسی و کارشناسی زوایایی اشکار و پنهان ازدواج سفید از آسیب‌های احتمالی آن بر خانواده‌ها و جامعه می‌شود جلوگیری کرد.

۳-۳. اندیشیدن به تمهیدات قانونی و پوشش حمایتی

فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی بعد از پذیرش و آسیب‌شناسی و ارائهٔ راهکارهای عملی قدم بعدی است. بسیاری از افراد در مصاحبه‌ها گفته‌اند که آداب و رسوم و فرهنگ ازدواج در ایران (مهریه‌های سنگین، شیربها و عروسی‌های مجلل، جهیزیه، مسکن مستقل، کلیشه‌های جنسیتی، دست‌وپاگیر بودن و محدود کردن حقوق فردی زنان در قوانین به مفاد شروط ضمن عقد از جمله شرط تحصیل، شرط اشتغال، شرط وکالت زوجه در صدور جواز خروج از کشور، شرط تقسیم اموال موجود میان شوهر و زن پس از جدایی، حضانت فرزندان پس از طلاق، حق انتخاب مسکن، حق طلاق و ...) باعث بی‌میلی به ازدواج دائم و روی آوردن به این نوع ازدواج شده است. در بخش بسترسازی فرهنگی، ترویج و تبلیغ فرهنگ ازدواج آسان از طریق رسانه‌های جمعی و فضای مجازی و نهادهای اجتماعی غیردولتی می‌تواند راهکار مناسبی برای توجیه خانواده‌ها در سخت‌گیری نکردن و تسهیل ازدواج جوانان باشد. نهادهای دولتی و اجرایی با تبلیغ و ایجاد زمینهٔ

---

[9] . www.farsnews.com/news/13930910000357

ازدواج آسان (و درخواست برای بازنگری قوانین موجود ازدواج)، تخصیص وام ازدواج بیشتر، وام مسکن و فرصت‌های شغلی می‌توانند نقش مؤثری در این زمینه ایفا کنند.

۴-۳. بازنگری در قوانین حقوقی مربوط به ازدواج سفید با تأکید بر حمایت قضایی از زنان و فرزندان

در جامعهٔ ایران به دلیل غیرشرعی بودن و با تأکید بر مادهٔ ۱۰ قانون اساسی مبتنی بر تسهیل ازدواج اخلاقی و اسلامی، از ازدواج سفید جرم‌انگاری شده است. از این رو، زوجینی که ازدواج سفید را برگزیده‌اند، تحت عنوان روابط نامشروع و عدم ثبت ازدواج به حبس و شلاق و جریمهٔ مالی محکوم خواهند شد- گرچه این حکم اجرا نمی‌شود و از سوی حاکمیت به نوعی تحمل می‌شود- حق نفقه، ارث، حضانت فرزندان و ... برای این زوجین تعریف نشده است و در این میان اگر فرزندی به دنیا بیاید، براساس مادهٔ ۸۸۴ قانون مدنی ولدالزنا محسوب می‌شود و از ارث محروم است.

ضروری است در اینجا دو نکته بیان شود: در هیچ بخش قرآن از این موضوع بحثی به میان نیامده است و تنها زنان و مردان زناکار سرزنش و از برخی حقوق اجتماعی محروم شده‌اند. در قانون ایران ولدالزنا می‌تواند شناسنامه دریافت کند و زمانی که شناسنامه دریافت کند، شهروند ایرانی محسوب می‌شود و از حقوق شهروندی برخوردار است. از سوی دیگر در اصل بیستم قانون اساسی، همهٔ افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همهٔ حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. فرزند متولد از این نوع روابط نیز باید مانند یک شهروند ایرانی از حمایت قانونی، قضایی و حقوقی مانند نفقه و حق ارث برخوردار شود. از سوی دیگر، ایران عضو کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک است و به تازگی لایحهٔ حمایت از کودکان را در مجلس تصویب کرده است و بدون هیچ‌گونه تبعیضی باید حقوق کودکان را رعایت کند. بنابراین، حق ارث نداشتن ولدالزنا مغایر قانون اساسی و حقوق بین‌الملل است و باید در این زمینه به شکلی اساسی بازنگری شود. در اینجا دو خلأ وجود دارد: در ازدواج سفید در صورت بروز جرم علیه یکی از زوجین (که معمولاً زن است) مانند خشونت خانگی که در این تحقیق نیز مواردی موجود بود، قانون چه برنامه‌ای دارد؟ اگر زن مورد آزار و شکنجه و خشونت، دزدی اموال و... قرار گرفت، آیا باید به علت ترس از مجازات شلاق در خصوص خشونتی که علیهش صورت گرفته است، سکوت کند؟! ازدواج سفید در بستر حریم خصوصی صورت می‌گیرد. در اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی نیز هرگونه تجاوز و تعدی به حریم خصوصی افراد ممنوع شده است. بنابراین، تجسس و نقض حریم از دیدگاه حقوقی درست نیست و مصداق نقض قوانین و اصول قانون اساسی است. از آنجا که ازدواج سفید در بستر حریم خصوصی اتفاق می‌افتد، شاهد ندارد و آشکار نیست؛ پس برمبنای مواد حریم شخصی و بند ششم منشور هشت ماده‌ای حقوق شهروندی نمی‌توان آن را تحت پیگرد قانونی قرار داد. بنابراین، زنان یا افرادی که مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته و یا به آنها تعرض می‌شود، بدون توجه به وقایع حریم خصوصی باید تحت حمایت قضایی قرار بگیرند.

۵-۳. کارآفرینی، اشتغال و تسهیل شرایط اقتصادی از سوی دولت و بخش خصوصی

خیل عظیم فارغ‌التحصیلان بیکار و مجرد که روانهٔ کلان‌شهرها شده‌اند تا در بخش‌های غیرتخصصی و ناهماهنگ با رشتهٔ تحصیلی‌شان مشغول به کار شوند، در زمرهٔ روی‌آورندگان به ازدواج سفید قرار دارند. در این زمینه نهادهای دولتی و بخش خصوصی باید با همکاری همدیگر امنیت شغلی ایجاد کنند. تجدید نظر از سیاستهای غلط مرکز گرایی، کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی هماهنگ با تحصیلات دانشگاهی در شهرهای محل سکونت می‌تواند عاملی مهم

در این زمینه باشد. همچنین سیستم بانکی با اعطای وام‌های مسکن، بیشتر کردن وام ازدواج، وام نگهداری از فرزند به صورت قرض‌الحسنه و اقساط بلندمدت می‌تواند نقش مؤثری در این زمینه ایفا کند. فعالان بخش خصوصی با همکاری دولت در شهرستان‌ها با ساخت واحدهای تولیدی و حمایت از اشتغال جوانان می‌توانند بیکاری جوانان را کاهش دهند. خیّرین در شهرهای مختلف باید توجه بیشتری به بحث کارآفرینی و اشتغال داشته باشند و با همکاری دولت و فعالان اقتصادی ضلع سوم این جبهه را تشکیل دهند و در حوزهٔ کارآفرینی نقش برجسته‌ای داشته باشند. بنابراین، کارآفرینی در محل زندگی جوانان و حمایت اقتصادی از قبیل مسکن، هزینهٔ فرزند و ... می‌تواند بخشی از دغدغه‌های اقتصادی جوانان را رفع کند.

۶-۳. حمایت نهادهای دولتی و انجمن‌ها در چهارچوب مشاوره‌های بهداشتی و آموزشی و جلوگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی

مبتلایان به بیماری‌هایی مانند ایدز و اعتیاد با وجود جرم‌انگاری و پیگرد کیفری، از طریق برخی نهادها مانند بهزیستی، شهرداری، انجمن‌های داوطلبانهٔ غیردولتی و کمپ‌های ترک اعتیاد حمایت می‌شوند. تاکنون با آموزش‌های بهداشتی و مشاوره‌ای این نهادها، گام‌های مؤثری در کاهش آسیب‌ها و پیامدهای منفی آنها برداشته شده است. خواه‌ناخواه این سبک زندگی با اقبال برخی جوانان جامعه مواجه شده و روزبه‌روز در حال افزایش است. برخی بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز، بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین و انواع خشونت علیه زنان در این روابط وجود دارند که به علت ماهیت کیفری روابط هم‌خانگی جرئت پیگیری قضایی آنها وجود ندارد. از سوی دیگر، معمولاً به علت پذیرفته نشدن این نوع روابط از جانب خانواده‌ها، زوجین هم‌خانه طرد می‌شوند که آسیب‌هایی روان‌شناختی به دنبال می‌آورد. با توجه به همراه بودن هم‌خانگی با آسیب‌هایی چون اعتیاد و ایدز، برای جلوگیری از سقط جنین، ابتلا به بیماری‌های مقاربتی و برخی دیگر از بیماری‌های روحی و روانی و خشونت، زنان می‌توانند از سوی نهادهای بهزیستی، بهداشت و درمان، شهرداری و انجمن‌های حقوقی حمایت از زنان، بدون ترس از پیگرد قانونی تحت حمایت‌های مشاوره‌ای و بهداشتی قرار بگیرند، به نحوی که افراد از پیگرد قانونی رابطهٔ خود ترسی نداشته باشند.

روابط زن و مرد و مناسبات آن در ایران برطبق هنجارهای دینی و عرفی تعریف می‌شود و رابطهٔ زوجیت جز در قالب ازدواج دائم و موقت، نامشروع و جرم تلقی می‌شود. در سال‌های اخیر، تغییرات رخ‌داده در جامعهٔ ایران به دلیل شرایط سخت اقتصادی مانند رکود و بیکاری از یک سو، ظهور مدرنیته و تغییرات ارزشی-هنجاری از سوی دیگر سبب شده است که جوانان زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی یا همان ازدواج سفید را راهکاری منطقی برای برآوردن نیازهای شخصی و اجتماعی خود بدانند که مسئولیت‌های حقوقی و اجتماعی و بار سنگین مخارج اقتصادی ازدواج رسمی را ندارد. این پدیده بیشتر در بین جوانان تحصیلکرده و دانشگاهی دیده می‌شود که به دلایل کاری و تحصیلی به کلان‌شهرها مهاجرت کرده‌اند. مسئولان به دلیل حساسیت‌های دینی و فرهنگی تا امروز این پدیدهٔ اجتماعی را دقیق مطالعه و بررسی نکرده‌اند. این پژوهش برای نخستین‌بار به‌صورت جامع پس از بررسی مبانی اجتماعی و حقوقی ازدواج سفید، عوامل مؤثر بر آن را تحلیل و پیامدهای ظهور آن را بررسی کرده است. در نهایت، راهکارهایی ارائه شده است تا گامی مؤثر در کاهش پیامدهای منفی این پدیده اجتماعی باشد و همچنین آگاهی‌های عمومی در این باره افزایش یابد.